

کتابخانه ملی ایران: ساختمان نو و آینده نو^۱

نوشته دکتر ابراهیم افشار^۲

ترجمه سودابه نوزری^۳

چکیده

مجلس ایران در سال ۱۹۹۰، قانون وظایف کتابخانه ملی کشور را تصویب کرد. ایرانیان در ۲۰۰۵ افتتاح مرحله نخست ساختمان جدید کتابخانه ملی خود را به عنوان دستاورد مهم فرهنگی و معماری جشن گرفتند. این مقاله، به خاستگاه و تحولات کتابخانه ملی ایران نگاهی می‌افکند و به جایگاه در حال تحول آن در بستر نظام کتابداری ایران می‌پردازد و به اختصار قابلیت‌های آن را برای توسعه برمی‌شمارد. این مقاله، همچنین ماهیت ساختمان جدید و چگونگی طراحی آن را به منظور اجرای رهنمودهای مجلس و نیز امکانات آن را برای توسعه آتی مورد توجه قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

کتابخانه ملی ایران، معماری کتابخانه‌های ملی.

مقدمه

نظارت بر پیشرفت کتابخانه‌ها، در برآوردن نیازهای خدماتی و آموزشی نیز جایگاه مهمی دارند. کتابخانه‌های ملی، غالباً کانون اصلی تأمین اطلاعات آماری در زمینه‌های خدمات، استفاده، و مجموعه‌سازی کتابخانه‌ها هستند؛ البته، نظارت بر انتشارات ملی و گردآوری آن را نیز برعهده دارند. انتشار کتابشناسی ملی و

کتابخانه‌های ملی در پیشبرد حرفه کتابداری نقش رهبری دارند. این کتابخانه‌ها به اعتبار جایگاه منحصر به فردشان در هر کشور، تنها کتابخانه‌هایی هستند که می‌توانند وظایف خود را در سطح ملی انجام دهند. این کتابخانه‌ها با برنامه‌ریزی ملی برای خدمات کتابداری و

1. Afshar, Ebrahim. "The National Library of Iran a new building and a new future". *Australian Academic and Research Libraries*, Vol. 37, No. 3 (2006): 221- 238.

۲. استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه اصفهان e.afshar@edu.ui.ac.ir

۳. عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران s-nozari@nlai.ir

فعالیت‌هایی از این دست نیز از فعالیت‌های کتابخانه‌های ملی است. کتابخانه‌های ملی، این نقش‌ها را با ایجاد، توسعه مجموعه‌ها و انجام وظایف و فعالیت‌های مختلفی چون حفاظت منابع، سازمان‌دهی و اشاعه اطلاعات، و ارائه استانداردهای ملی مختلف به اجرا درمی‌آورند. کتابخانه ملی، در صورتی این وظایف و فعالیت‌ها را به بهترین شکل می‌تواند انجام دهد که ساختمانی مناسب و جامع داشته باشد. به همین دلیل است که بسیاری از دولت‌ها، هزینه ایجاد ساختمان‌های باشکوه و عظیم را برای کتابخانه‌های ملی تأمین می‌کنند. در نزد برخی دولت‌ها و ملت‌ها، ساختمان کتابخانه ملی ارزشی نمادین و الهام‌بخش دارد.

ایران در مارس ۲۰۰۵، رویدادی خجسته را به دلیل توسعه چشمگیر امکانات کتابخانه‌ای و به ثمر رسیدن تلاش آن در خلق مفهوم جدیدی از کتابداری در یک کشور اسلامی، جشن گرفت. در این تاریخ، ساختمان جدید کتابخانه ملی در تهران و به دست خاتمی، رئیس جمهور وقت، افتتاح شد. این مسأله رویدادی مهم و بسیار فراتر از اهمیت نمادین آن است. این مقاله، به تحولاتی که منجر به ایجاد کتابخانه ملی شد، نگاهی می‌افکند و سپس تحولاتی را که ممکن است در آینده رخ دهد ارزیابی می‌کند.

تعریف نقش کتابخانه ملی در ایران

قانون مصوب ۱۹۹۰ مجلس ایران، تصریح می‌کند که سه هدف کتابخانه ملی شامل نگهداری، سازمان‌دهی، و اشاعه اطلاعات است. کتابخانه این هدف‌ها را با گردآوری

سه نوع منبع انجام می‌دهد که عبارتند از:
 ۱. گردآوری تمام انتشارات داخل کشور، و نیز آثار منتشر شده توسط ایرانی‌های خارج از کشور به هر شکل و به هر زبان؛
 ۲. گردآوری انتشارات علمی در زمینه مطالعات ایرانی و اسلامی از سراسر جهان به زبان‌های اصلی؛

۳. تهیه منابع عمومی مرجع منتشر شده خارجی برای انجام پژوهش و ارائه خدمات. قانون فوق همچنین کتابخانه را ملزم کرده است که برنامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی را در راستای پیشبرد رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی ارائه کند؛ تدابیر لازم را برای هدایت و تسهیل مطالعه و پژوهش در «همه زمینه‌ها به منظور اعتلای فرهنگ ملی اتخاذ کند و تحقیقات مربوط به آن را به انجام برساند»؛ از راه مشاوره، نظارت، هدایت و ارائه خدمات فنی و برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی به کتابخانه‌های کشور کمک کند؛ و روش‌های مطلوب را به منظور هماهنگ کردن خدمات و فعالیت‌های کتابخانه‌های عمومی و تخصصی جهت تسهیل مبادله اطلاعات در جامعه ارائه کند (۲: ۴۷-۵۱).

فعالیت‌های برشمرده در قانون ۱۹۹۰، کتابخانه ملی را در رسیدن به یک کتابخانه ملی واقعی، به مفهوم جدید آن کمک می‌کند. تصویب این قانون تجربه‌ای کاملاً جدید برای کتابخانه‌ای است که از آغاز تأسیس، نقشی بیش از یک کتابخانه عمومی غیرامانی نداشته و تنها مجموعه‌های منحصر به فرد نسخه‌های خطی و تعداد اندکی از انتشارات خارجی مربوط به ایران را نگهداری کرده است.

تاریخچه کتابخانه‌های ایران تا ۱۹۷۹ و خاستگاه کتابخانه ملی

هر چند نویسندگان ایرانی، بسیار به گذشته پرشکوه علم، و کتابخانه‌های کشور خود اشاره می‌کنند، اندک چیری از آن به زمان ما رسیده است که بتواند گذشته را به حال پیوند دهد. عمر کتابخانه‌های نوین ایران کوتاه است، و عمر کتابداری به عنوان یک رشته حرفه‌ای مستقل، از آن هم کوتاه‌تر. سابقه تأسیس کتابخانه ملی به انقلاب مشروطه می‌رسد. در آن زمان، روشنفکران کتابخانه‌ای کوچک در تهران بنا کردند. این کتابخانه که در محوطه دانشکده پلی تکنیک (دارالفنون) قرار داشت، بعدها کتابخانه عمومی معارف نام گرفت. مؤسسان آن هدفی آموزشی داشتند و این کتابخانه در راستای اعتلای فرهنگ و سواد مردم خدمت می‌کرد. سال‌ها بعد، کتابخانه‌های عمومی شبیه به این کتابخانه، با کمک افرادی در مراکز استان‌ها تأسیس شد. نقش دولت در تأسیس این کتابخانه‌ها بسیار کم‌رنگ بود و در واقع مشارکت و سرمایه‌گذاری خصوصی، نخستین حرکت‌ها را شکل داد.

در دهه ۱۹۲۰، کتابخانه معارف به وزارت آموزش و پرورش منتقل شد و در ۱۹۳۷، پنج کارمند این کتابخانه و مجموعه شانزده هزار جلدی ناچیز آن، به همراه مجموعه‌های کتابخانه‌های دیگر (مانند نسخه‌های خطی کتابخانه سلطنتی) هسته اصلی مجموعه کتابخانه ملی را تشکیل دادند (بقیه مجموعه کتابخانه سلطنتی شامل نسخه‌های خطی نفیس و منابع ایران‌شناسی در ۱۹۸۰، بعد از سقوط شاه در ۱۹۷۹، به کتابخانه ملی ایران

منتقل شد). رخدادهای بعدی چون، اهدای ۶ هزار کتاب توسط بانک ایران و روس پس از جنگ جهانی اول، و اهدای منابع مفصلی توسط دولت آلمان در ۱۹۴۱، برحجم مجموعه افزود. نتیجه آن که مشکل کمبود فضا به وجود آمد.

نخستین کتابخانه ملی و آندره گدار

گام بزرگ بعدی زمانی اتفاق افتاد که کتابخانه ملی در ۱۹۳۷، در ساختمان مخصوص خود مستقر شد و کتابخانه ملی نام گرفت. این ساختمان آجری قرمز رنگ، توسط باستان‌شناس و معمار مشهور بین‌المللی، آندره گدار (۱۸۸۱-۱۹۶۵)، طراحی شد. وی، طی اقامت طولانی سی ساله‌اش در ایران، ناظر چند پروژه مربوط به دولت ایران بود. این دانشمند در تعیین سیاست‌های فرهنگی دولت ایران، طی سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، نقش مؤثر داشت. وی با اجرای سیاست‌های مرمت و نگهداری آثار تاریخی کشور، در نظام معماری ایران نوآوری به وجود آورد؛ همچنین طرح ساختمان موزه ایران باستان از اوست. در طرح‌های معماری وی، استفاده از آجر در نما و بافت، و کاربرد سبک‌های معماری گذشته ایران به چشم می‌خورد. ساختمان آجری و قرمز رنگ فعلی کتابخانه ملی نتیجه این شیوه است. بدین ترتیب، کتابخانه ملی زندگی رسمی خود را در حد کتابخانه‌ای متوسط و با مقدار ناچیزی از تخصص و وظیفه آغاز کرد و تقریباً ۶۵ سال به همین منوال سپری شد. به بیان دیگر، ساختمان فوق برای نگهداری مجموعه‌ای

کوچک طراحی شده بود و به تغییراتی که در آینده ممکن بود اتفاق بیافتد، مثل نیاز به انجام وظایف و کارکردهای جدید، توجهی نداشت.

ساختمان اصلی کتابخانه ملی در تهران با ظرفیت ۴۰۰۰۰ جلد کتاب و یک صد صندلی، نزدیک به موزه ملی ایران (قبل از انقلاب اسلامی: موزه ایران باستان) قرار داشت. در دهه‌های بعد با افزایش فضا، مجموعه کتابخانه به حدود ۲۶۰۰۰۰ جلد رسید. در سال ۱۹۸۲، تعداد ۱۰۶ نفر کارمند داشت. تا آغاز انتشار کتابشناسی ملی در ۱۹۶۳، کتابخانه ملی ایران استانداردهای صحیح خدمات فنی را رعایت نمی‌کرد. تنها یک فهرستبرگه حاوی عنوان، نویسنده، و موضوع، برای هر منبع تهیه می‌شد و دستیابی به مجموع را براساس شماره بازیابی فراهم می‌کرد. کتابشناسی ملی جامع، در ۱۹۸۳، زمانی تولید شد که مرکز خدمات کتابداری تهران^۴ (که در جای خود خواهد آمد) به کتابخانه ملی پیوست.^۵

ساختمانی که گذار ساخته بود، تا هنگام سقوط رژیم پهلوی در ۱۹۷۹، و پس از انقلاب تا ۲۰۰۵، ارائه خدمات می‌کرد. می‌توان گفت که کتابخانه ملی، طی مدت طولانی ۱۹۳۷ تا ۱۹۸۳، وظایف خاص کتابخانه‌های ملی را به ندرت انجام می‌داد. این کتابخانه، عمدتاً مرکز واسپاری کتاب‌های چاپی بود و به خاطر داشتن نسخه‌های خطی نفیس مورد توجه قرار می‌گرفت. با وجود تلاش‌های رؤسای کتابخانه، قانون واسپاری مصوب

۱۹۰۷، با گذشت ۶۰ سال، اصلاً به اجرا درنیامد. تنها از ۱۹۶۴ به این طرف، جریان منظم ورود انتشارات داخل کشور به آن آغاز شد و مجموعه کتابخانه را غنی ساخت. با این همه، فقط بخش کوچکی از انتشارات ملی به کتابخانه ملی وارد می‌شد.

نخستین رئیس کتابخانه ملی که مدت ۲۴ سال (۱۹۳۷-۱۹۶۱) بر مسند نشست، دکتر مهدی بیانی، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. وی قبل از آن، رئیس کتابخانه عمومی معارف بود. عمده تلاش‌های وی به‌عنوان یک متخصص، گردآوری مجموعه نفیس نسخه‌های خطی و منابع چاپی بود؛ به‌ویژه در حوزه مورد علاقه‌اش خوشنویسی. برگزاری نخستین دوره آموزش کتابداری ایران را در ۱۹۳۸ (که شامل حدود ۲۰ ساعت تدریس بود)، به وی نسبت می‌دهند.

کتابخانه ملی تا قبل از تأسیس وزارت فرهنگ و هنر، بخش کوچکی از وزارت آموزش و پرورش بود. بعد از آن، با وجود آن‌که رئیس کتابخانه ملی تحت امر وزیر فرهنگ و هنر بود، همچنان بی‌اهمیت باقی ماند. سپس، برای بار سوم، در ۱۹۸۱ زیر نظر وزارت آموزش عالی قرار گرفت. انتصاب ۲۲ رئیس پس از کناره‌گیری دکتر بیانی در ۱۹۶۱، برای کتابخانه ملی با هر استاندارد که سنجیده شود، به نظر غیرعادی و حیرت‌آور است. بعضی از این مدیران، صرفاً دانشورانی بودند که به کتابداری اهمیت نمی‌دادند. این

4. Tehran Book Processing Centre (TEBROC)

۵. برای پیشینه کتابخانه ملی ایران نگاه کنید به: (۳: ۲۶-۲۸)

تغییر مدیران به هر دلیل که بود، نشانی از اهمیت مهم‌ترین سازمان خدمات کتابخانه‌ای یک ملت نداشت.

دکتر ناصر شریفی که فارغ‌التحصیل مدرسه خدمات کتابداری دانشگاه کلمبیا بود، جانشین بیانی شد و دو سال بعد استعفا داد. اما در همین دوره کوتاه، فکر ایجاد ساختمانی جدید را مطرح کرد. طرح جاه‌طلبانه ایجاد ساختمانی بزرگ‌تر با نام کتابخانه بزرگ پهلوی^۶ آغاز شد. طرح فوق که با سروصدای زیادی در سطح بین‌المللی همراه بود، با وقوع انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹، متوقف ماند^۷ و اصلاً دنبال نشد. شخص مهم دیگر کتابخانه، ایرج افشار کتابشناس نام‌آور بود. انتشار کتابشناسی ملی ایران کاری بزرگ بود که ایرج افشار، در ۱۹۶۲ در هفتمین ماه ریاستش، انجام داد. این اثر، حیاتش را در حد کاری متوسط آغاز کرد: شماره‌های این اثر که نخست به صورت ماهانه و سپس فصلی منتشر می‌شد، اطلاعات کتابشناسی اندکی داشت.

در تمام این سال‌ها، کارکنان کتابخانه حقوق ناچیزی دریافت می‌کردند و اغلب، کارمندان دفتری بودند. این امر به دلیل آن بود که در کشور، مدرسه کتابداری که بتواند متخصص کتابداری تربیت کند وجود نداشت. در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ این وضع تغییر کرد^۸.

توسعه کتابداری نوین در ایران از ۱۹۶۰ اگرچه ایران در ۱۳۹۷، مؤسسه‌ای با عنوان کتابخانه ملی داشت، منصفانه است که بگوییم کتابداری مدرن تا ۱۹۶۷ در کشور وجود نداشت و در این سال بود که دوره کارشناسی ارشد کتابداری دانشگاه تهران در چارچوب برنامه فولبرایت تأسیس شد. به‌طور کلی، کتابخانه ملی از ۱۹۵۲، دوره‌های کوتاه‌مدت و کارگاه‌های کتابداری برگزار می‌کرد؛ اما نتایج این تلاش‌ها نامحسوس بود. ارائه خدمات کتابخانه‌ای هم نامنظم و پراکنده انجام می‌شد. به‌علت نبودن منابع بومی کتابداری و متخصصان آموزش‌دیده، به ناچار متخصصان و مدرسان خارجی دعوت شدند. این متخصصان، اغلب امریکایی بودند و طی سال‌های ۱۹۶۰ تا وقوع انقلاب اسلامی (۱۹۷۹) این رشته را هدایت می‌کردند (۴: ۳۱۶-۳۲۷). به‌طور مثال، مارگارت هاپکینز در چارچوب برنامه فولبرایت، دانشگاه تهران را در یکپارچه کردن سیستم کتابخانه‌ای اش یاری کرد. سیستم کتابخانه‌ای نامتمرکز و ضعیف آن دوره، ناتوان بود و نمی‌توانست پاسخ‌گوی نیازهای فزاینده این دانشگاه باشد. سازمان‌دهی مناسب کتابخانه دانشگاه تهران پیش‌شرطی مهم برای توسعه نخستین دانشکده کتابداری ایران به‌شمار می‌آمد که در ۱۹۶۶ تأسیس شده بود.

پروفسور آلیس لورر، امریکایی دیگری بود

6. The Great Pahlavi Library

۷. گزارشی در چند جلد اطلاعات ارزشمند و مفصلی را در این باره در بردارد:

N Sharify, *The Pahlavi National Library of the future: Its resources, services, programs, and buildings requirement: final report East Norwich*, (NY: Board of Consultants Pahlavi National Library 1976).

۸. شرح کوتاه اما گویایی از وضعیت کتابخانه ملی ایران در آن سال‌ها در این منبع قابل دسترس است: (۱: ۳۷۶-۳۷۸).

که پایه‌گذار دوره کارشناسی ارشد کتابداری در دانشگاه تهران شد. در این دانشکده، نخستین نسل کتابداران ایرانی متخصص تربیت شدند. پروفیسور هاروی، متخصص اطلاع‌رسانی و رئیس مدرسه کارشناسی ارشد کتابداری دانشگاه در کسبل، در ۱۹۶۷ جانشین لورر شد. هاروی نیز در چارچوب برنامه فولبرایت در ایجاد زیرساختی قوی برای کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران نقش کلیدی داشت. به پیشنهاد او بود که وزارت علوم و آموزش عالی، مراکز ویژه سندپدازی در کشور موسوم به ایراندک و مرکز خدمات کتابداری (تبراک) را تأسیس کرد. هر دوی این سازمان‌ها زیر نظر این وزارتخانه فعالیت می‌کردند و هدف آن‌ها کمک به توسعه سازمان‌های تحقیقاتی در ایران و افزایش امکانات آن‌ها بود. نقش این دو سازمان در طرح تدوین استانداردهای کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور و گسترش شبکه‌های اطلاعاتی و نیز خدمات اطلاع‌رسانی تعیین‌کننده بوده است.

دو سازمان فوق، همچنین در برقراری مناسبات بین‌المللی از طریق ایجاد روابط با فید و یونسکو تلاش می‌کردند. آن‌ها در معرفی مفاهیم جدید خاص اطلاع‌رسانی و البته بالا بردن اعتبار حرفه کتابداری در ایران پیشگام بوده‌اند و سازمان دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت را برای کتابداران و آرشویست‌ها برگزار کردند. کارمندان آن‌ها فارغ‌التحصیلان دانشکده کتابداری دانشگاه تهران بودند.

تبراک که در ۱۹۶۸، به عنوان مرکز پردازش و خدمات فنی فهرستنویسی و

رده‌بندی تأسیس شد، کمک‌هایی را به نظام کتابخانه‌ای کرد که قابل چشم‌پوشی نیست. این مرکز طی حیات ۱۵ ساله‌اش، منابع فنی سازمان‌دهی اطلاعات را منتشر کرد که در کتابخانه‌های سراسر کشور مورد استفاده قرار گرفت. در واقع، برخی صاحب‌نظران معتقدند که این مرکز نقش کتابخانه ملی را ایفا می‌کرد و آنچه را که لزوماً جزو وظایف اصلی کتابخانه ملی ایران بود، انجام می‌داد.

سرانجام در ۱۹۸۳ (پس از انقلاب)، تبراک در کتابخانه ملی ایران ادغام شد. به گفته پوری سلطانی، کتابدار برجسته ایرانی، کتابخانه ملی ایران آخرین کتابخانه‌ای بود که استانداردهای تدوین شده تبراک را پذیرفت و به کار گرفت! ادغام تبراک در کتابخانه ملی ایران سبب شد ۳۰ کتابدار کاملاً متخصص به سازمانی که هیچ متخصصی نداشت انتقال یابند. این متخصصان به سرعت به‌عنوان عاملی مؤثر در کالبد کتابخانه عمل کردند. آنان، به‌ویژه، برداشت جدیدی از نقش کتابخانه‌های ملی داشتند که نقطه عطفی در توسعه تاریخ نوین کتابخانه ملی ایران به‌شمار می‌آید. همچنین تدوین استانداردهای کتابخانه‌های دانشگاهی، تخصصی، آموزشگاهی، و زندان؛ تهیه مارک، انتشار کتابشناسی ملی طبق استانداردهای جهانی به همراه تولید تعدادی از ابزارهای فهرستنویسی، طراحی فهرستنویسی پیش از انتشار (سی.آی.پی)؛ و تدوین شماره استاندارد بین‌المللی پیایندها (آی.اس.اس.ان) و آی.اس.بی.ان، نشان از شناخت آن‌ها از یک کتابخانه ملی دارد. ادغام تبراک در کتابخانه ملی ایران فشار بیش‌تری به سطوح مدیریتی

برای ایجاد یک ساختمان جدید و مناسب به وجود آورد (۵: ۱۸۷-۲۰۷).

شکل‌گیری کتابخانه ملی جدید

هنگام وقوع انقلاب اسلامی (۱۹۷۹)، کتابخانه ملی وضعیت اسفناکی داشت. تجهیزات آن بسیار ناچیز بود و کارآمدی لازم را نداشت. تنها سه کارمندش دانش‌آموخته کتابداری بودند و کتابدار متخصص هم نداشت. سال‌های بعد از آن نیز سال‌هایی پرتنش برای کتابخانه بود؛ در کمتر از ۱۰ سال؛ هفت رئیس تعویض کرد که مهارت و صلاحیت آن‌ها در انجام کار متغیر بود و به نظر می‌رسید برخی هیچ علاقه‌ای به این شغل نداشتند. تعدادی از آنها کمتر از یک سال بر مسند کار بودند. در واقع از ۲۲ تنی که از ۱۹۶۱، رئیس کتابخانه بودند، ۱۷ نفر فقط از ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۷ ریاست کردند. اما در سال‌های اخیر این جابه‌جایی‌ها کاهش یافته است (۲: ۳۲).

کارکنان تبراک که به کتابخانه ملی آمده بودند، ثابت کردند که موتور تغییر و توسعه کتابخانه‌اند. آمدن آن‌ها باعث شد کتابداران درک بهتری از کتابخانه ملی یابند. پوری‌سلطانی به حق چنین بیان می‌کند: «کتابخانه ملی ایران نقش تبراک را در راه ارائه خدمات به کتابخانه‌های کشور تداوم بخشید». و شاید باید این را اضافه کنیم که کتابخانه ملی، خدمات گذشته این مرکز را گسترش داد (۲: ۷۶).

مهم‌ترین دستاورد این ادغام، تولید کتابشناسی ملی ایران طبق استاندارد یونسکو بود. هم‌اکنون این کتابشناسی از طریق آن‌لاین

و سی‌دی موجود است و فرمت آن مشابه کتابشناسی ملی استرالیاست. دستاورد بعدی دیگر، اجرای طرح فهرست‌نویسی پیش از انتشار است که بیش از ۹۰ درصد انتشارات سالانه ملی از ۳۰۰۰۰ عنوان کتاب را پوشش می‌دهد.

تهیه ابزارهای فهرست‌نویسی و اصلاح آن‌ها نیز دستاورد دیگری است؛ مانند فهرست سرعنوان‌های موضوعی فارسی (همسنگ سرعنوان موضوعی کتابخانه کنگره برای زبان فارسی)؛ فهرست مستند مشاهیر و مؤلفان؛ گسترش رده‌بندی‌های دیویی و ال‌سی برای زبان‌های ایرانی (زبان فارسی قدیم، میانه، جدید و طیف گسترده‌ای از گویش‌های ایرانی) و نیز انتشار رده‌هایی چون ادبیات ایرانی، تاریخ، اسلام، و زبان و ادبیات عرب؛ و تولید مارک ایران. رد پای تبراک باز هم در تهیه تمام این‌ها حس می‌شود.

فراتر از همه این دستاوردهای خوب، تحولی بود که در ۱۹۹۰ رخ داد: کتابخانه ملی ایران زیر نظر مستقیم نهاد ریاست جمهوری قرار گرفت. این وضعیت جدید، منزلت اجتماعی کتابخانه ملی را افزایش داد زیرا بدین وسیله کتابخانه ملی، سازمانی مستقل شد و این استقلال با خود افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی کتابخانه را به همراه آورد. هم‌اکنون به سبب نظارت نهاد ریاست جمهوری، کتابخانه صاحب موقعیت بی‌سابقه‌ای از آغاز تأسیس‌اش شده است.

تحول دیگر با همان درجه اهمیت، ریاست محمد خاتمی، وزیر فرهنگ سابق و رئیس‌جمهور بعدی بر آن بود. وی در ۱۹۹۲

رئیس کتابخانه ملی شد. در دوره ریاست او (۱۹۹۲-۱۹۹۷)، مقدمات برای ساخت بنای جدید، بلافاصله پس از اینکه وی ریاست جمهوری کشور را برعهده گرفت، مهیا و در سال ۱۹۹۸ عملیات ساخت و ساز آغاز شد. همان‌طور که قبلاً گفتیم، نیروی محرکه بزرگ پیشرفت کتابخانه با آمدن متخصصان تبراک آغاز شد. این امر با آمدن نسل جدید فارغ‌التحصیلان کتابداری به کتابخانه در دهه ۱۹۸۰ تقویت شد. پوری سلطانی که هم‌اکنون نقش هدایت در کتابخانه ملی دارد، در نشست سال ۲۰۰۱ انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، این سال‌ها را چنین توصیف می‌کند: ... رؤسای کتابخانه مرتباً عوض می‌شدند و البته اکثراً بی‌خبر از فنون کتابخانه‌داری و کتابداری تا چه رسد به کتابخانه ملی. لذا ما ناچار بودیم سفره دل پیش یکایک آنها بگشاییم و از رسالت و اهداف کتابخانه، سوابق و آینده آن بگوییم و مهمتر از همه آنان را از وجود طرح ساختمان کتابخانه ملی که قبل از انقلاب پایه‌ریزی شده بود و زمینی که در تپه‌های عباس‌آباد به آن تخصیص داده بودند بی‌اگاهانیم و آنان را ترغیب کنیم که به دنبال آن، اقدامات لازم را انجام بدهند. ماجرای بیست سال تلاش برای رسیدن به ابتدایی‌ترین اهداف و وظایف کتابخانه، در این مقال قابل بازگویی نیست. مطرود شدیم، محبوب شدیم، آموختیم و آموزش دادیم، به دست و پای هم پیچیدیم، تنها شدیم، خفتها کشیدیم، سربلند شدیم، پست شدیم، خوار شدیم و باز به یاری سروران نیکو برخاستیم و ... (۲: ۷۳).

از دو دهه گذشته، مانند دیگر رشته‌های تحصیلی در ایران، آموزش کتابداری از نظر کمی و نه لزوماً کیفی، رشد چشمگیر یافته است. تعداد دانشکده‌های کتابداری از چند دانشکده معدود در ۱۹۷۹ به چندین برابر رسید و در حال حاضر بیش از ۵۰ گروه کتابداری در این کشور فعال هستند. برخی از این‌ها به معنای واقع «گروه آموزشی» نیستند؛ بلکه به شکل موردی اینجا و آنجا ایجاد شده‌اند تا نیاز به کتابدار را جبران کنند. چهار دانشکده مجهز، در تهران، مشهد، اهواز، و شیراز. نیز دوره‌های دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی دارند و هفت عضو هیئت علمی در سه تا از این دانشکده‌ها فارغ‌التحصیل دانشگاه نیوساوت ویلز در استرالیا هستند.

ساختمان جدید کتابخانه ملی

طرح ایجاد ساختمانی کاملاً جدید برای کتابخانه ملی از اواسط دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، یعنی زمانی که ثروت سرشار کوتاه‌مدت ناشی از تحریم نفت در سال ۱۹۷۳ به ایران سرازیر شد و ضعف شاه در مقابل هر عنصر غربی در کار بود. کتابخانه جدید قرار نبود کتابخانه ملی نامیده شود؛ بلکه بنا بود نام آن کتابخانه بزرگ پهلوی باشد. پروژه ساخت این کتابخانه جزئی بود از یک پروژه عظیم‌تر به نام شهستان پهلوی، شهری که قرار بود در دل شهری بزرگ‌تر (تهران) ساخته شود و مساحت آن به حدود ۵۰۰۰۰۰۰ مترمربع می‌رسید. هدف از این طرح، گرد آوردن وزارتخانه‌ها در یک محل واحد، و ویتروینی بود برای به نمایش گذاردن شکوه سلسله

پهلوی. همچنین هدف از تأسیس این شهر، ایجاد بزرگ‌ترین پارک با پنج ناحیه آب و هوایی جهان در آسیا بود.

فراخوان مسابقه بین‌المللی برای طراحی کتابخانه ملی پهلوی و طرح اولیه آن داده شد. اندیشه ایجاد این کتابخانه را به ناصر شریفی، رئیس وقت کتابخانه ملی، نسبت می‌دهند. گروه مشاوره‌ای متشکل از ۶۰ متخصص از کشورهای جهان، نیمی کتابدار و نیمی معمار مشهور، توسط ایفلا انتخاب شدند و به دعوت شاه به ایران آمدند. این متخصصان از ایران دیدن کردند و جنبه‌های گوناگون کار را مورد مطالعه قرار دادند. حاصل کار طرحی بلندپروازانه بود که ۳۵۰۰۰۰ مترمربع زیربنا را شامل می‌شد، اما ایفلا و هیئت مشاوره از این طرح حمایت نکردند. این طرح بسیار تعدیل شد و اجرای آن را به مناقصه بین‌المللی گذاشتند.

دومین هیئت مشاوره که متشکل از متخصصان کتابداری و معماران ماهر ساختمان‌های کتابخانه‌های ملی خارج از کشور بودند، ناظر طراحی کتابخانه جدید شدند. اما حوادث سیاسی ناشی از وقوع انقلاب اسلامی (۱۹۷۹) و پس از آن جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران (۱۹۸۰-۱۹۸۸) مانع اجرای این طرح شد. در نتیجه طرح ایجاد مکانی جدید برای کتابخانه پانزده سال به تعویق افتاد.

سال ۱۹۹۱ فکر ایجاد ساختمان جدید کتابخانه دوباره زنده شد، مسابقه‌ای میان ۵ شرکت منتخب از یک فهرست نهایی گذاشته شد. شرکت پیراز، برنده این مناقصه شد. با

اصلاحاتی، طرح به ۹۷۰۰۰ مترمربع بنا کاهش یافت. کار احداث بنا به دو فاز تقسیم شد: فاز اول که دربرگیرنده ۷۵ درصد از کار بود در ۱۹۹۸ آغاز شد و در ۲۰۰۵ پایان یافت؛ این همان قسمتی است که در مارس ۲۰۰۵ افتتاح شد. احداث فاز دوم نیز در فوریه ۲۰۰۷ به پایان رسید. به گفته پیمانکار، برای طراحی و ساخت این بنا، ۱۵ میلیون ساعت کار انجام شده است. به حق می‌توان گفت احداث این بنا اقدامی ملی بوده است.

تیم مهندسان به مدیریت یوسف شریعت‌زاده، معمار معروف ایرانی، ساختمان جدید را براساس نسخه اصلاح شده طرح ۱۹۷۹ بنا کرده است. سه کتابدار متخصص؛ پوری سلطانی، فریبرز خسروی (معاون وقت کتابخانه)، و زهرا شادمان با این مهندسان از نزدیک همکاری می‌کردند.

ساختمان جدید هشت طبقه دارد و در مرکز زمینی به مساحت ۶۲۰۰۰ مترمربع، روی تپه‌ای در شمال تهران، واقع شده است. برای آماده‌سازی محل ساختمان، مقادیر زیادی خاکبرداری لازم بود. زمین شیب تندی دارد به طوری که چهار طبقه در ضلع شمالی آن، زیر زمین واقع شده است، اما در ضلع جنوبی همه طبقات روی زمین قرار دارند. دلیل آن، این است که شمال تهران بر دامنه کوه البرز قرار دارد.

دستیابی به کتابخانه هنوز هم برای کاربرانی که از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کنند، مشکل است. با وجود آن‌که بزرگراه‌های زیادی در اطراف ساختمان وجود دارد، اما کل منطقه در حال تغییر و توسعه است. تنها

همسایه کتابخانه، بنای در دست ساخت مجتمع فرهنگستان‌های ایران است که ساختمان بزرگی است و در صورت تکمیل، این منطقه مکانی مناسب برای مؤسسه‌ها و سازمان‌های علمی و فرهنگی خواهد بود.

به گزارش طراحان، ساختمان جدید کتابخانه ملی ایران با قفسه‌بندی عادی گنجایش چهار میلیون جلد، و با قفسه‌بندی فشرده گنجایش هفت میلیون جلد کتاب را دارد. انعطاف‌پذیری این طرح، اجازه تغییرات جدید و به‌کارگیری تجهیزات گوناگون را در آن می‌دهد. بخش‌های نسخه‌های خطی، منابع چاپی، منابع دیداری و شنیداری و جز آن، در چهار طبقه اول قرار دارند.

ساختمان جدید گنجایش ۱۱۰۰ کارمند دارد (کتابخانه ملی در حال حاضر ۷۰۰ کارمند تمام وقت دارد). همچنین ۸۰۰ صندلی برای مطالعه استفاده‌کنندگان در دو طبقه بزرگ مرجع، طبقات پنجم (معادل همکف) و ششم (معادل طبقه اول) قرار دارد. در یک سوی طبقه پنجم، منابع مرجع عمومی، کتابشناسی‌های عمومی و منابع کتابداری و اطلاع‌رسانی و منابع مرجع علوم و فنون در دیگر سو قرار دارد. در طبقه ششم، در یک طرف، منابع علوم اجتماعی و انسانی و در طرف دیگر منابع مطالعات ایران‌شناسی قرار دارد. کتابخانه کودکان و نوجوانان، سه تالار سخنرانی (یکی بزرگ، دو تا متوسط) و یک کافه برای استفاده عموم در طبقه پنجم، ضلع شمالی، قرار دارند. اینها همه در طبقه همکف هستند و از این حیث، دستیابی به آنها برای همگان آسان است.

بخش شمالی طبقه ششم متعلق به مرکز آموزش کتابداری کتابخانه ملی است. این مرکز، یک دوره کارشناسی ارشد کتابداری و انواع برنامه‌های آموزشی ویژه کتابداران شاغل را برگزار می‌کند. محل کارکنان هیئت تحریریه مجله فصلنامه کتابخانه ملی و پژوهش در همین طبقه قرار دارد. طبقه هشتم (معادل طبقه سوم) ویژه ریاست سازمان و کارکنان اموراتاری است.

تهران، شهری زلزله‌خیز است و کتابخانه نزدیک به گسل اصلی زلزله قرار دارد. استانداردهای خاصی برای اطمینان از امنیت منابع، کارکنان، و استفاده‌کنندگان به‌کار گرفته شده است. اسکلت اصلی ساختمان بتن آرمه است، اما در نما از آجر قدیمی استفاده شده است. جذابیت و زیبایی نمای خارجی با کاربرد زیاد آجر قدیمی، منظره آن را شبیه به برج و باروهای قرون وسطایی کرده که در خور توجه است. شکل نامنظم ساختمان حس استواری و شکوه را در بیننده برمی‌انگیزد؛ بدون آنکه او را زیر هیبت خود از پای درآورد.

البته جنبه‌های زیباشناختی ساختمان چه در مواد به‌کار رفته و چه در کل طراحی آن، ویژگی مهم آن است. به نظر می‌رسد کاربرد آمیزه‌ای از معماری سنتی و تکنولوژی مدرن موفقیت‌آمیز بوده است، اما نظر نهایی را در این موارد متخصصان می‌توانند بدهند. نگارنده تخصصی در این زمینه ندارد، و تنها می‌تواند از برداشت مثبت شخصی خود سخن بگوید. از ویژگی‌هایی که بر بیننده تأثیر مثبت بر جای می‌گذارد؛ یکی نورگیرهای

ساختمان و دیگری وجود آب در محیط بیرونی است. آبناها و حوض‌هایی که در مسیر ورود به ساختمان قرار دارند، یادآور معماری سنتی باغ‌های ایرانی هستند، به روح آرامش می‌دهند و تالو آب در آن‌ها زیباست. نورگیرهای سقف، آسمان را نشان می‌دهند و به نحوی ساخته شده‌اند که با گرمای تابستان تهران مشکل‌ساز نیست. وجود پنجره‌های کوچک نیز که از ویژگی‌های بارز طرح ساختمان است در سرزمینی با تابستان‌های گرم و زمستان‌های سرد، قابل توجه است.

فضای داخلی ساختمان با راه‌پله‌های پهن و ستون‌های تأثیرگذار، و رنگ‌های ملایم، فضای باشکوه و در عین حال راحتی را برای حرکت و رفت و آمد بازدیدکنندگان و کارکنان به وجود آورده است. معمار ساختمان، به علت به‌کارگیری تکنولوژی مدرن در ساختمان، آن را ساختمانی هوشمند توصیف کرده است. دستگاه قفل مرکزی و دوربین‌های مداربسته، سامانه‌های برق، آب، و گاز را دائماً در کنترل دارد. در تمام تجهیزات امنیتی شامل سیستم‌های آب و فاضلاب کل ساختمان، سیلوهای بتونی کار گذاشته شده است تا در صورت بروز حادثه و یا حوادث طبیعی، به مجموعه آسیب نخورد. دوازده آسانسور، در هر یک از چهارگوشه ساختمان و سه دستگاه، میان طبقات رفت و آمد می‌کند. به علاوه، ۱۲۰۰ متر دستگاه انتقال مدارک در طبقات مختلف نصب شده است تا بتوان به صورت مکانیکی منابع را به طبقات مختلف انتقال داد. نورپردازی و دستگاه‌های تهویه در ساختمان با دست و دلبازی بسیار به‌کار رفته‌اند. در

طراحی و تولید مبلمان و تجهیزات کتابخانه نیز همان ملاحظات زیبایی‌شناسانه که در ساختمان به‌کار رفته، اعمال شده است.

به سوی آینده

افتتاح ساختمان جدید کتابخانه ملی در پایان سال ۲۰۰۵ را می‌توان آخرین گام شکل‌گیری یک کتابخانه ملی مدرن در ایران دانست، فرایند کندی که ۲۳ سال پیش با پیوستن مرکز خدمات کتابداری به کتابخانه ملی در ساختمان قدیمی آن آغاز شد. قانون تأسیس کتابخانه ملی ایران مصوب سال ۱۹۹۰ همراه با افزایش چشمگیر بودجه کتابخانه ملی، و به دنبال آن، استقرار این کتابخانه در محل جدید، کتابخانه ملی را از یک نهاد کم‌اهمیت و نسبتاً جدا افتاده به نهادی با وجهه در سطح ملی تبدیل کرده است. کتابخانه ملی اینک سازمانی سرزنده و محیطی به سرعت در حال گسترش است که برنامه‌های جاه‌طلبانه‌ای برای آینده دارد.

این مأموریت و مأموریت‌های بسیار دیگر در قانون ۱۹۹۰، کتابخانه ملی ایران را به سازمانی پیچیده تبدیل کرده است که برای حفظ کارایی و تأثیرگذاری در سطح قابل قبول، به پختگی مدیریتی نیاز دارد. تا جایی که می‌توان پیش‌بینی کرد، در آینده چالش اصلی کتابخانه ملی، در کشوری که کفایت در مدیریت بخش دولتی نگرانی عمده آن است، چالش مدیریتی است. جای تعجب نیست که بحث مدیریت، بلافاصله پس از افتتاح ساختمان جدید، مورد توجه جامعه کتابداری قرار گرفت و در انتشارات آن

مطرح گردید^۹.

همچنین ساختمان جدید برای حرفه کتابداری اهمیت نمادین دارد. این ساختمان بلافاصله پس از افتتاح با جای دادن به انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، محلی برای تجمع کتابداران شده است. شوق دانشجویان کتابداری در زمان افتتاح قابل فهم بود. هم اکنون این انجمن به سرعت در حال رشد کمی و کیفی است. به نظر می‌رسد تأسیس ساختمان جدید نشانه‌ای از شکل‌گیری آینده‌ای غنی برای خدمات کتابداری و کتابداران در ایران باشد.

منابع

۱. سلطانی، پوری. «شکل‌گیری کتابداری نوین در ایران». در *فرصت حضور*. تهران: انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، ۱۳۸۰، ص ۳۷۶-۳۷۸.
۲. کتاب *کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران*.

زیرنظر مهدی تقوی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تماشاگران؛ مؤسسه فرهنگی - هنری عصر توسعه دانش، ۱۳۸۳.

3. Ebrami, H. "Iran libraries". A Kent ... [et al] (eds). *Encyclopedia of Library and Information Science*, Vol. 13, pp.26-28.

4. Hayati, Z.; Fattahi, R. "Education for librarianship in Iran before the 1979 Islamic revolution: an historical review of the American roles and influences". *Library Review*, Vol. 54, No. 5 (2005): 306- 327.

5. Soltani, P. "Historical aspects of cataloging and classification in Iran". M. D. Joachim (ed), *Historical aspects of cataloging and classification*. Now York: Haworth, 2003, pp. 187- 207.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۷/۳

۹. *خبرنامه انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران*. [ویژه مدیریت کتابخانه‌ها]. دوره چهارم، ۵ (مهر و آبان ۱۳۸۴).